

کتاب میزان الحکمة

نوشته عبدالرحمان خازنی؛ تصحیح، ترجمه و شرح به زبان فرانسوی از فائزه بانسل^۱؛ با مقدمه‌ای از پروفسور رشدی راشد؛^۲ ۵۵۴ صفحه، فرهنگستان علوم، ادبیات و هنر بیت الحکمة؛ تونس؛ ۲۰۰۸ م.

حنیف قلندری^۳

در میان آثار به جا مانده از عبدالرحمان خازنی (فعال در نیمه نخست سده ششم هجری) زیج معتبر سنجرى و میزان الحکمة شهرت بیشتری دارند که از نخستین آنها هنوز نسخه‌ای برای چاپ فراهم نیامده، اما رساله دوم چند بار چاپ شده است: اول بار در ۱۸۸۰ توسط خانیکوف در سن پترزبورگ، بار دیگر در سال ۱۹۴۰ در حیدرآباد (هند) و چاپ کامل‌تری در سال ۱۳۵۹ ش در همانجا. تجدید چاپ خانیکوف توسط فؤاد سزگین در سال ۲۰۰۱ در فرانکفورت و چاپ دیگری از منتصر محمود مجاهد در سال ۲۰۰۵ در قاهره منتشر شده است. ترجمه بخش کوچکی از آن به فارسی از مترجمی ناشناس، به تصحیح محمدتقی مدرس رضوی در سال ۱۳۴۶ در تهران منتشر شده است.^۴ در سال ۲۰۰۸ خانم فائزه بانسل بر پایه همان سه نسخه یک بار دیگر میزان الحکمة را با دقت بیشتری تصحیح کرده و آن را به زبان فرانسوی ترجمه کرده است. مصحح در توضیحات مختصری که برای معرفی نسخه‌ها در کتاب آورده است (صص ۱۲۹-۱۳۷) ضمن اشاره به نسخه دیگری از این کتاب که در کتابخانه تبریز موجود است و نتوانسته آن را برای تصحیح فراهم آورد، درباره هم‌خانوادگی سه نسخه‌ای که در دست داشته چنین اظهار نظر کرده است که احتمالاً همه نسخه‌ها منشأ مشترکی دارند با این تفاوت که شباهت نسخه‌های موجود در سن پترزبورگ و حیدرآباد بیشتر است. به همین سبب خانم بانسل نتیجه گرفته است که به احتمال بسیار، نسخه اصلی کتاب که مؤلف نوشته دو استنساخ متفاوت داشته است که این دو نسخه، یعنی نسخه‌های حیدرآباد و سن پترزبورگ، از یک استنساخ کتابت شده‌اند و نسخه بمبئی از استنساخ دیگر، و احتمالاً به همین سبب اشتباهات موجود در نسخه اولیه به این هر دو نسخه راه یافته است.

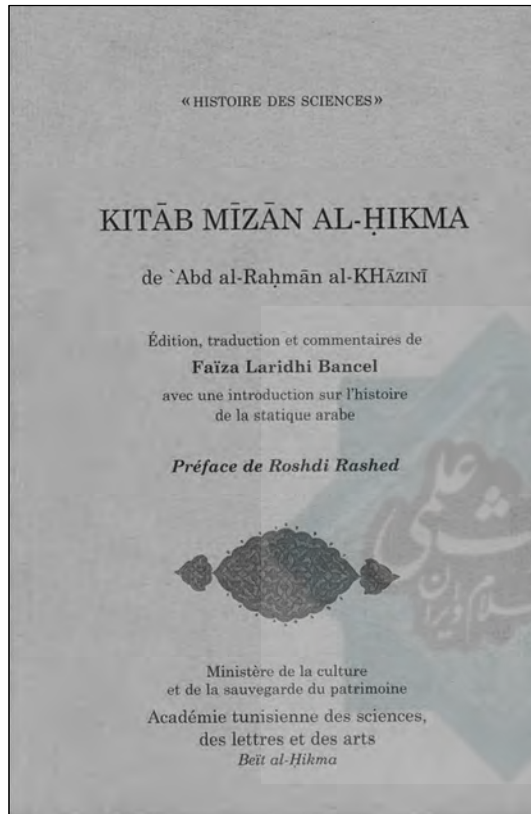
^۱ Faïza Bancel

^۲ Roshdi Rashed

^۳ دکتری تاریخ علم، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

^۴ دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۴، ص ۶۳۶.

به غیر از ترجمه فرانسوی ترجمه‌هایی به زبان‌های روسی و انگلیسی هم از میزان الحکمة در دست است. آنچه تحقیق خانم بانسل را ارزشمند می‌سازد مقدمه نسبتاً مفصلاً است که او بر کتاب نوشته است. او مقدمه را در پنج فصل مرتب کرده است که به ترتیب عبارت‌اند از:



- ۱- استاتیک، شاخه‌ای از ریاضیات
 - ۲- کتاب میزان الحکمة و تاریخ استاتیک
 - ۳- دو جریان در مکانیک در یونان باستان و دوران یونانی مآبی
 - ۴- قانون تعادل اهرم در دو سنت یونانی و عربی
 - ۵- نظریه گرانث و مرکز جرم
- در فصل نخست (صص ۱-۵) که بسیار کوتاه است خانم بانسل بر پایه تعریفی که در کتاب‌های طبقه‌بندی علوم آمده دانش مکانیک را نزد دانشمندان اسلامی به سه شاخه تقسیم کرده است:
- الف) استاتیک که دو مسأله اصلی قانون اهرم‌ها و مرکز جرم اجسام در آن بررسی می‌شود.
- ب) هیدرو استاتیک که به قوانین اجسام شناور اختصاص دارد.
- ج) ماشین‌های ساده.



کتاب میزان الحکمة به گروه نخست این تقسیم‌بندی اختصاص دارد. فصل دوم (صص ۷-۱۴) به زندگی‌نامه و معرفی آثار خازنی اختصاص دارد. خانم بانسل در این فصل در دو بخش کوتاه نخست ادعا می‌کند که میزان الحکمة را می‌توان دانشنامه‌ای از اطلاعات و دستاوردهای به دست آمده تا عصر خازنی درباره استاتیک به حساب آورد. سپس مدعی می‌شود که خازنی در بسیاری از مواضع کتاب خود و در نقل‌هایی که از آثار دیگران آورده است به متن‌هایی که از آنها استفاده کرده وفادار مانده است. او برخی تفاوت‌های موجود میان متن اصلی و نقل قول‌های خازنی را به سبب اشتباهات موجود در نسخه‌هایی می‌داند که در اختیار خازنی بوده‌اند، نه اشتباه او در نقل مطالب. فصل‌های سوم تا پنجم به بررسی تاریخی ارزشمندی درباره دانش مکانیک نزد یونانیان و مسلمانان

اختصاص دارد. فصل سوم محل بحث دربارهٔ یک تقسیم‌بندی برای تحلیل‌های مکانیکی نزد یونانیان است. خانم بانسل تحلیل‌های مکانیکی یونانیان را به دو دسته متمایز تحلیل دینامیکی فارغ از استدلال‌های هندسی و تحلیل استاتیکی بر پایهٔ استدلال‌های هندسی تقسیم می‌کند، او دستهٔ نخست را از آن ارسطو و شاگردان او می‌داند و از ارشمیدس به عنوان نمونهٔ شاخص دستهٔ دوم نام می‌برد. در پایان این فصل خانم بانسل مسیر انتقال هر دو گونه تحلیل را از آثار یونانی به دنیای اسلام پی گرفته است.

فصل‌های چهارم و پنجم به همان دو مسألهٔ اصلی دانش استاتیک و سیر تحول تحلیل آنها نزد یونانیان و دانشمندان اسلامی اختصاص دارد. در بخش نخست قانون اهرم‌ها بررسی شده است که در آن خانم بانسل هر دو صورت تحلیل دینامیکی و استاتیکی را نزد یونانیان آورده است و سپس صورت استدلال‌های چهار تن از دانشمندان اسلامی پیش از خازنی (کوهی، ثابت بن قره، ابن هیثم و اسفزاری) را در این باره بررسی کرده است. در فصل پنجم به نظریهٔ گرانش و تعیین مرکز جرم اجسام مختلف پرداخته شده و ضمن بیان تاریخچه‌ای مختصر در این رابطه، مطالبی که در کتاب میزان الحکمة در این باره آمده با مطالب دانشمندان پیشین مقایسه شده است.

این اثر با مقدمهٔ خوبی که دارد و منابع قابل توجهی که در آن به کار رفته است، از این پس می‌تواند مرجع مناسبی برای مراجعهٔ محققانی باشد که قصد مطالعه دربارهٔ دانش مکانیک نزد دانشمندان را اسلامی دارند.

کم کردن از حقوق سالانهٔ خیام نیشابوری!

از نامهٔ خاقانی به جلال‌الدین شروانشاه:

«مگر روزی خواجه [بزرگ کاشانی، سرپرست دیوان ملکشاه] به دیوان نشسته بود. عمر خیام در آمد و گفت: ای صدر جهان، از وجه ده هزار دینار معاش هر سال من کمتر باقی به دیوان عالی مانده است. نایبان دیوان را اشارتی بلیغ می‌باید تا برسانند. خواجه گفت: تو جهت سلطان عالم چه خدمت کنی که هر سال ده هزار دینار مرسوم تو باید داد؟ عمر خیام گفت: واعجباً، من چه خدمت کنم سلطان را؟ هزار سال آسمان و اختران را در مدار و سیر به شیب و بالا جان باید کردن، تا ازین آسیابک، دانهٔ درست چون عمر خیام بیرون افتد؛ و از این هفت شهر پای بالا و هفت دیه سرنشیب یک قافله‌سالار دانش چون من در آید. اما اگر خواهی از هر دهی در نواحی کاشان چون خواجه ده ده بیرون آرم و به جای او بنشانم، که هر یک از عهدهٔ کار خواجگی بیرون آید. خواجه از جای بشد و سر در پیش افگند، که جواب بس پای بر جای دید. این حکایت به حضرت سلطان ملکشاه باز گفتند، گفت: بالله که عمر خیام راست گفت.

منشآت خاقانی، تصحیح محمد روشن، ص ۳۳۳.